

اقلیت‌های مسلمان در آفریقا؛

وضع موجود - پیشنهادها

آیت‌الله محمدعلی تسخیری^۱

چکیده:

نوشتار حاضر، اقلیت‌های مسلمان در قاره آفریقا، نیازها، چالش‌ها و شیوه‌های پاسخ به آنها را بررسی می‌نماید. نگارنده ابتدا به زمینه و سوابق تاریخی حرکت اسلام و دوره خیزش و شکوفایی آن در قرون متمادی در آفریقا و تأسیس حکومت اسلامی در برخی کشورها بویژه شمال آفریقا اشاره نموده و پس از آن به چالش‌های متعدد فرا روی آنها از جمله نفوذ بسیار گسترده و قوی مسیحیت در منطقه به وسیله ایجاد مؤسسات بی شمار تبشیری و صرف هزینه‌های هنگفت و ایجاد ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی که با پورش گسترده تبلیغاتی علیه اسلام و مسلمانان همراه بوده است و نیز ضعف برنامه‌های تبلیغی و عدم انسجام بین آنان و بروز اختلاف قومی و مذهبی می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: اقلیت‌های مسلمان، قاره آفریقا، مسیحیت، اختلافات قومی و مذهبی، جریان‌های صوفی.

برای شناخت وضع کنونی اقلیت‌های مسلمان در آفریقا و بررسی نیازهای آنان و روش‌های برآوردن این نیازها، باید به مطالعات و تحقیقاتی از جمله موارد زیر پرداخت:

۱- باید زمینه‌ها و سوابق تاریخی حرکت اسلام در قاره آفریقا و روند تکامل آن و هم‌سویی‌اش با منطقه و حرکت خیزش اسلامی طی دوره تاریخی طولانی، یعنی از آغاز ورود اسلام تا به امروز، را بررسی نمود. هم‌چنین لازم است با تاریخچه جنبش‌ها و حکومت‌های اسلامی که طی این دوره بلند تاریخی در این قاره تشکیل گردیده و آثار و پیامدهای آنها و نیز اوضاع کلی آن‌جا، آشنایی کامل پیدا کرد. برای ایجاد تصویری هر چه کامل‌تر از اوضاع کنونی، همه این بررسی‌ها و مطالعات، ضروری است. می‌دانیم که اسلام حتی پیش از هجرت پیامبر ﷺ، یعنی طی نخستین مهاجرت مسلمانان به حبشه،

۱- دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

وارد این قاره شد و در سال ۳۱ هـ به سودان رسید و به همین ترتیب گسترش پیدا کرد تا این که سرانجام پس از پنج قرن، وارد منطقه «المقره» و دو قرن و نیم بعد وارد منطقه «العلوه» گردید و سیزده سال پس از سقوط اندلس به دست فرنگی‌ها، یک دولت اسلامی در آفریقای مرکزی، تشکیل گردید.

در نیمه نخست قرن اول هجری، اسلام، شمال آفریقا را فرا گرفت و از آن جا به عمق این قاره گسترش پیدا کرد و طی قرن‌های چهارم تا هفتم، در شمال آفریقا، طی قرن‌های هفتم تا دهم، در مالی و از قرن دهم به بعد در سنگال، حکومت‌های اسلامی شکل گرفت و از آن زمان، اسلام نفوذ وسیعی در این قاره پیدا کرد، به طوری که گفته می‌شود امروزه از هر سه نفر آفریقایی، یک نفر مسلمان است و اسلام همچنان در این قاره در حال گسترش است و بدون شک، یورش اروپا به آفریقا در اواخر قرن پانزدهم میلادی، تأثیر بسزایی در برافروختن روح مقاومت و شکل‌گیری جنبش‌های جهادی در شمال و غرب آفریقا بر جای گذاشت. (عین‌الشریف قاسم، ۱۹۹۹م).

البته سابقه نفوذ اسلام به چندین قرن پیش از آن باز می‌گردد، زیرا امپراتوری «کانم» از قرن یازدهم میلادی تشکیل شد و تا قرن چهاردهم برپا بود و پس از آن نیز تنها به یکی از ایالت‌ها، یعنی ایالت «بورتا»، محدود گردید. در این جا بود که دولت‌های اسلامی نیرومندی در کانو، زاریو، دارو، کامیر و کادسینا شکل گرفت که از نظر اهمیت، دست‌کمی از دولت‌های اسلامی حوزه دریای مدیترانه نداشت.

پس از دولت اسلامی که «حکومت کانو» نام داشت، امپراتوری «سنگهای» به پایتختی «کاهوی» در سواحل دریای نیجر، در مالی کنونی، شکل گرفت. این دو دولت نوپا، کشورهای پراکنده اسلامی را متحد ساختند و در رأس این قدرت متحد، «محمد آسکای کبیر» قرار داشت. پس از او این اتحاد فرو پاشید و سپس دو دولت «بورتا» و «کبیبی» با هم متحد شدند و نهضت اسلامی به دست «امام عثمان بن فودو» در قرن ۱۸ میلادی، تجدید گردید. این مرد پارسا، عابد و ادیب، از کشورهای اسلامی بازدید نمود و توانست دولت گسترده‌ای از «کاندوا» تا «آداما» تشکیل دهد و دولتش برای دوره زمانی معینی «برونا» را هم در بر گرفت. پس از او، فرزندش «بلو» (سلطان سکوتو) جای او را گرفت و در سال ۱۸۹۳ م «رباح الزبیر» مقاومت علیه اروپایی‌ها را سازمان‌دهی کرد ولی به دست فرانسوی‌ها به قتل رسید. «الاقلیات الاسلامیه فی العالم»، کنانی، ص ۲۰۳.

در سال ۱۸۶۰ م میسیونرهای تبشیری رهسپار نیجریه گردیدند و استعمار انگلستان در سال ۱۸۶۱ م برای خود مستعمره‌ای در لاگوس، تأسیس کرد و پس از آن نیز «کنسرسیوم سلطنتی نیجر» را راه اندازی کرد و سپس در سال ۱۹۰۰ م نیز نیجریه جنوبی و بعد از آن نیجریه شمالی به تحت‌الحمایگی انگلستان در آمد و به این ترتیب در سال ۱۹۵۳ م شاهد استقلال نیجریه و ظهور اولین رئیس‌جمهور برای این کشور به نام «ابو بکر تفاوایلوا» بودیم که در کودتای نظامی ۱۹۶۱ او و یکی دیگر از رهبران معروف، یعنی «احمد بلو»، به قتل رسیدند. علاوه بر نفوذ کامل اسلام بر شمال آفریقا، یک جنبش تاریخی اسلامی در شرق و جنوب آفریقا وجود دارد که همه این موارد باید به دقت بررسی و مطالعه شود. متأسفانه منابعی که در این زمینه باید مدد رسان پژوهشگران باشند، بسیار اندک و ناشناخته است.

آن‌چه در ارایه تصویر روشنی از اوضاع اسلامی قاره آفریقا تأثیر داشته است، نقش برجسته‌ای است که حرکت‌های گسترده صوفی‌مسلك در جامعه اسلامی آفریقا، ایفا کرده‌اند؛ حرکت‌هایی چون تیجانیه، قادریه، سمانیه، ختمیه و شاذلیه که به نوبه خود به مثابه راه‌هایی برای تعمیق نقش ایمان در میان انسان‌ها از یک سو و تضمینی برای عدم نفوذ دشمنان به درون جوامع آفریقایی و تفرقه و دور ساختن آنان از اسلام، از سوی دیگر، مطرح بوده‌اند. به نظر می‌رسد چنین مطالعاتی برای ارایه یک تصویر حقیقی بسیار ضروری است و از همین دریچه است که می‌توان واقعیت امروز اسلام در قاره آفریقا را به درستی درک کرد. در این راستا باید به نهادهای پرشمار مدنی اسلامی و میزان اثرگذاری آنها نیز توجه نمود، هم‌چنان‌که مراکز اسلامی پراکنده در جای جای این قاره را نیز نباید از نظر دور داشت. این مراکز اسلامی، نقش مهمی در میان کشورهای غیر عضو در سازمان کنفرانس اسلامی، ایفا می‌کنند، زیرا در کنار فعالیت‌های اجتماعی، کار تبلیغی نیز انجام می‌دهند؛ برای نمونه می‌توان به جنبش جوانان مسلمان در آفریقای جنوبی اشاره کرد که در سال ۱۹۷۰م در دوران تأسیس شد و شخصیت‌های معروفی در آن‌جا به آن پیوستند و در عرصه‌های اجتماعی، تأثیر بسزایی بر جای نهاد و نشست‌های متعددی برگزار کرد که شخصیت‌های گوناگونی در آن حضور یافتند. کلاس‌هایی برای آموزش دین اسلام و قرآن کریم به جوانان و زنان، برقراری ارتباط با اقلیت‌های مسلمان دیگر کشورها، انتشار نشریات مفید، گردآوری زکات، تشکیل کمیته‌های صنفی ویژه وکلای دادگستری، پزشکان، حسابداران و... از فعالیت‌های این جنبش می‌باشد. هم‌چنین این جنبش شعار وحدت سر داده و گسترش آموزش و دانش را وجهه همت خود قرار داده و مسجد را محور فعالیت‌های خود ساخته است. مطالعه روش زندگی پیامبر ﷺ و مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی - مذهبی از جمله مواردی است که در این جنبش بر آن تأکید می‌شود. جمعیت‌ها و گروه‌های مشابه فراوانی در جای جای قاره سیاه وجود دارد که در واقع نقطه قوت جوامع اسلامی آفریقا به‌شمار می‌روند. هم‌چنان‌که فعالیت‌های گسترده‌ای از سوی بسیاری از سازمان‌های تبلیغی اسلامی و سازمان‌های کمک‌رسانی اسلامی در سرتاسر آفریقای امروز به چشم می‌خورد، از جمله فعالیت‌های «رابطه العالم الاسلامی» و نیز فعالیت‌های مؤسساتی که در کویت و خلیج فارس بیشتر به آفریقا می‌پردازند. علاوه بر این، سازمان‌هایی نیز وجود دارند که در خود کشورهای اسلامی آفریقایی مستقر بوده و مشغول فعالیت می‌باشند، از جمله: سازمان «الدعوة الاسلامیة» و «الجماعة الافریقیه» در سودان و سازمان‌هایی از این قبیل.

۲- ما باید تاریخ چالش‌هایی را که مسلمانان با آن روبه‌رو بوده‌اند، از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها، یعنی حرکت تبشیر (مسیحون‌های مسیحی)، را به خوبی بشناسیم.

می‌دانیم که مسیحیت در قرن چهارم میلادی به وسیله مذهب قبطی یعقوبی وارد اسکندریه شد و از آن‌جا به حبشه و سپس جاهای دیگر رسید. (پیشین). ولی ورود و حضور قوی‌تر و مؤثرتر، در اواخر قرن پانزدهم میلادی بود که همان‌گونه که گفته شد، از یک سو روحیه مقاومت علیه بیگانگان را برانگیخت و از سوی دیگر باعث گسترش مسیحیت و برخورد شدید با اسلام گردید. استعمار نیز مدت زمان درازی، در حدود یک قرن یا بیشتر، در آن دیار جا خوش کرده و زمینه را برای فعالیت‌های بیشتر مهیا نمود و

خود نیز مشوق بی‌خبرگذاشتن مسلمانان از یک‌دیگر و جدا ساختن آنان از میراث عربی خویش بود. از جمله کارهای استعمار این بود که یک قشر روشن‌فکر مسیحی در هر کشور پرورش داد؛ این قشر نقش بسزایی در تحقق هدف‌های استعماری ایفا کرد و حتی پس از استقلال آن کشورها نیز این روشن‌فکران مسیحی، مجری برنامه‌ها و نقشه‌های استعمار در کشورهای متبوع خود بودند. (پیشین).

این‌گونه بود که نفوذ مسیحیت به صورت بسیار نیرومندی گسترش یافت. «جمعیت جهانی تحقیقات تبلیغی مسیحیت» یادآور شده که شمار مؤسسات تبشیری و نهادهای وابسته به آنها، بیش از ۱۲۰۸۸۰ واحد بوده و سرمایه‌گذاری در راه تبشیر و تبلیغ مسیحیت به ۳۲۰ میلیارد دلار بالغ گشته است. این جمعیت هم‌چنین گفته است که تاکنون ۱۶۳ میلیارد دلار تقدیم نموده و رسانه‌های گروهی مسیحی، حدود ۸/۹ میلیارد دلار دریافت کرده‌اند و ۸۲ میلیون دستگاه رایانه برای گستراندن اطلاعات، به کار گرفته شده و حدود ۸۸۶۱۰ کتاب منتشر گشته و ۲۴۹۰۰ نشریه هفتگی در این عرصه وجود دارد و تاکنون ۵۳ میلیون نسخه انجیل، توزیع شده و ایستگاه‌های رادیو - تلویزیونی که در خدمت تبلیغ مسیحیت قرار گرفته بیش از ۲۳۴۰ ایستگاه می‌باشد و در سال ۱۹۹۱ در مجموع ۱۸۱ میلیارد دلار بودجه به آنها اختصاص داده شده است.

مجله‌تایم در سال ۱۹۸۰ گزارشی منتشر کرد و در آن یادآور شد که در میان ۶۴۰ میلیون نفر آفریقایی، ۵۳ میلیون مسیحی کاتولیک وجود دارد که در هر سال شش میلیون نفر به آنان افزوده می‌شود و انتظار می‌رود که تعداد آنان در پایان قرن بیستم به هشتصد میلیون نفر برسد. در این باره پاپ ژان پل دوم، رهبر کاتولیک‌های جهان، می‌گوید: «آفریقا سرزمین حاصل‌خیزی است که باید از آن بهره‌برداری کرد». مجله‌تایم می‌نویسد: پس از استقلال کشورهای آفریقایی، رشد جمعیت مسیحی آنها، روندی دراماتیک داشته است؛ چه در حالی که این نرخ پیش از سال ۱۹۶۰ م کمتر از ۳۰٪ بوده است، در سال ۱۹۸۰ م به ۵۰٪ رسید. و به این ترتیب اعلام کرده که پایان قرن بیستم به معنای پایان بخشیدن به حضور اسلام در جنوب خط استوای آفریقا است و درعین حال نسبت به ایجاد یک دولت مسیحی در جنوب سودان برای متوقف ساختن حرکت تبلیغی اسلام به سمت جنوب، تأکید کرده است.

بدون شک حاکمان این کشورها، نقش مهمی در تشویق این حرکت‌ها دارند؛ برای مثال، رئیس جمهور تانزانیا آشکارا از اسقف ژان رمضان سرپرست کلیسای انگلو - آمریکایی زنگبار - که مسلمان مسیحی شده است - ستایش می‌کند و دیگران را فرا می‌خواند تا او را سرمشق قرار دهند. نکته شگفت این‌جاست که این سخنان و اظهارات در زنگباری مطرح می‌شود که نسبت مسلمانان در آن‌جا ۹۰٪ جمعیت است و هنگامی اهمیت چنین اظهاراتی روشن‌تر می‌شود که بدانیم نخستین کلیسا در ۱۵۰ سال پیش در دارالسلام [پایتخت تانزانیا] و در ۱۲۰ سال پیش در زنگبار تأسیس شده و از آن زمان مسیحیان به طور فزاینده‌ای در این کشورها پراکنده شدند. در این‌جا باید به نقش دانشگاه‌های مسیحی در آفریقا در حمایت از این گسترش اشاره کرد، از جمله دانشگاه مسیحی در اوگاندا که در سال ۱۹۹۱ زیر نظر اسقف‌نشین این کشور تأسیس شد. حال آن‌که می‌دانیم مسیحیت در سال ۱۸۷۷ م وارد اوگاندا شد و اولین دانشگاه این کشور در سال ۱۹۰۵ م تأسیس گردید.

۳- مطالعه و بررسی چالش‌های دیگری که مسلمانان و به طور کلی آفریقایی‌ها و به ویژه ساکنان جنوب خط استوا با آن روبه رو هستند؛ چالش‌هایی چون فقر، گرسنگی و بیماری‌هایی از قبیل «ایدز» (هرچند این بیماری در جوامع اسلامی کمتر است) و نیز چالش‌ها و کنش‌های اجتماعی و عدم ثبات سیاسی و نیز یورش‌هایی که از سوی فرقه‌های گمراهی چون بهائیت و قادیانیه، متوجه این قاره است. می‌دانیم که بهائیت در سال ۱۹۵۱ وارد اوگاندا شد و هفت سال بعد، یعنی در سال ۱۹۵۸، مرکز آفریقایی خود را تأسیس کرد و چه بسا فرار بهایی‌ها از ایران پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، نقش مهمی در گسترش نفوذ آنان در آفریقا داشته است. ولی ما مطمئن هستیم که بهائیت با توجه به ضعف منطق و پیوندهای ارگانیکی که با رژیم صهیونیستی دارد، نخواهد توانست پدیدهٔ همه‌گیری را در آن جوامع، تشکیل دهد. در این جا بی‌مناسبت نیست اشاره شود که ما معتقدیم صهیونیسم در تضعیف جنبش اسلامی و برتری بخشیدن به جریان‌های رقیب آن، سهیم بوده است.

از دیگر مواردی که امروزه مسلمانان با آن روبه‌رو هستند، یورش تبلیغاتی گسترده علیه آنان و با نشانه‌گیری عقاید و مقدسات ایشان است. برای نمونه می‌توان از آن‌چه اخیراً در نیجریه [در جریان برگزاری مسابقه دختر شایسته سال] اتفاق افتاد، یاد کرد که یکی از روزنامه‌ها درصدد اهانت نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برآمد که این مسئله اعتراض‌های گسترده مردم را در پی داشت و سبب عدم برگزاری مسابقه مورد اشاره گردید. باید اضافه نمود که دشمن با تبلیغات خود در آفریقا، تلاش می‌کند در میان مسلمانان و دیگران، چهرهٔ اسلام را خدشه‌دار سازد و پدیده‌های ناشی از تعصب‌های قومی یا قبیله‌ای را به اعتقادات اسلامی نسبت دهد و چنین وانمود کند که گویا اسلام، دین خشنی است. برای مثال، مشاهده می‌شود که در برخی روزنامه‌های تانزانیا، حادثهٔ قطع پای یک زن به وسیلهٔ همسرش یا حکم دادگاهی در «کانو» در مورد بارداری پیش از ازدواج یک زن را از جمله دستاوردهای اعتقادات اسلامی تلقی می‌کنند. حقیقت آن است که این‌گونه مسایل اختصاص به مسلمانان ندارد. در کنفرانس مربوط به «ایدز» در آفریقای جنوبی، مصاحبه‌کنندگان، مسلمانان را مورد انتقاد قرار می‌دادند که به مسایل بهداشتی و آموزشی توجهی ندارند تا جایی که این‌گونه تبلیغات خصمانه، برخی مسلمانان را نسبت به توان رویارویی و ایستادگی ایشان دچار تردید ساخت.

سیاست‌های پاکسازی مذهبی در آفریقا را نیز نباید از نظر دور داشت. این مسئله در مورد مسلمانان حبشه (اتیوپی) و کنیا، صورت گرفت و خبرهای رسیده حکایت از آن دارد که نیروهای اتیوپی، پیش از ۱۵۰۰ روستا را به آتش کشیدند و بیش از هشتاد هزار مسلمان را در اربتره به قتل رساندند.

از دیگر چالش‌هایی که مسلمانان با آن روبه‌رو هستند مسئله مهاجرت متخصصان (فرار مغزها) به غرب است؛ گزارش‌ها خبر از وجود حدود سیصد هزار نفر متخصص آفریقایی در اروپا می‌دهند و این‌که بیش از ۶۰٪ از پزشکان کنیا و تانزانیا، از این دو کشور مهاجرت کرده‌اند. (WWW.Undo.org).

از دیگر چالش‌هایی که می‌توان به آن اشاره کرد، مسئله ضعف برنامه‌های تبلیغی مسلمانان و مبلغان اسلامی است؛ معمولاً این گروه از مبلغان، در سطح شایسته و بایسته‌ای از نظر توان تبلیغ قرار ندارند.

علاوه بر این، در میان برخی از این مبلغان، چنان رقابت عجیب و غریبی جریان دارد که انسان را نسبت به آنان بدبین می‌سازد. در عرصه فعالیت و نقش اندیشمندان و نویسندگان مسلمان نیز ضعف بزرگی وجود دارد که وقتی وضع کنونی را با وضع شماری از نویسندگان و اندیشمندان گذشته مقایسه کنیم، که بیشترین آثار را در عرصه اسلام و تبلیغات اسلامی داشته و اکنون چنین حرکت گسترده‌ای به‌خاموشی گراییده است، بیشتر به این نکته پی می‌بریم.

از دیگر مشکلات و چالش‌ها، اختلاف میان خود مسلمانان در نتیجه درگیری‌های نامرتب با عقاید اسلامی و از جمله درگیری‌های فرقه‌ای میان جریان‌های مذهبی و نیز ضعف ارتباطات و پیوند میان مراکز تبلیغاتی و اجتماعی در آفریقا و مراکز مشابه در جهان عرب و جهان اسلام است که این امر خود مشکل خطرناکی است که حتماً باید رفع گردد. ما معتقدیم همه این مقدمات باید فراهم گردد و همه نقاط ضعف و چالش‌ها نیز در نظر گرفته شود تا بتوان در راستای برطرف ساختن آنها، گام برداشت و از هویت مسلمانان در آفریقا حراست نمود. در این‌جا ضروری است که به محورهای زیر - که در برخی نشست‌ها و سمینارها بر آنها تأکید شده است - اشاره نماییم:

- ۱ - حمایت از اقلیت‌های مسلمان در هر جا و به ویژه در آفریقا و جلوگیری از تبعید یا اخراج گروهی و نابودسازی آنان؛
- ۲ - حراست از هویت اقلیت‌های اسلامی و نمودهای شخصیت فرهنگی آنان تا در معرض اضمحلال فکری و فرهنگی قرار نگیرند؛
- ۳ - تأکید بر رعایت حقوق این اقلیت‌ها به اعتبار این‌که آن‌ها شهروندانی برخوردار از تمامی حقوق شهروندی در کشور متبوع خود می‌باشند؛
- ۴ - فعال کردن نقش خلق‌ها و کشورهای اسلامی و سازمان‌ها و هیئت‌های وابسته، در حمایت و پشتیبانی و کمک به اقلیت‌ها بر اساس رعایت احترام به حق حاکمیت کشورها و عدم مداخله در امور داخلی آنها؛
- ۵ - درخواست از اقلیت‌های مسلمان در آفریقا برای سازمان‌دهی درونی و وحدت خود و کوشش در راستای ایجاد نهادهای مدنی و تبلیغی ویژه خود و ایجاد هماهنگی میان این نهادها برای نمایندگی شایسته اقلیت‌های مسلمان در کشور متبوع خود و برنامه‌ریزی برای رشد و توسعه فرهنگی، آموزشی و اقتصادی و مشارکت در عملیات سازندگی اجتماعی در ضمن کنار نهادن اختلاف‌های مذهبی، قبیله‌ای و حزبی و هر آن‌چه که به تضعیف صف مسلمانان می‌انجامد؛
- ۶ - تأسیس مراکز آموزشی اقلیت‌های مسلمان در همه مراحل تحصیلی و حمایت دولت‌های کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان‌های بین‌المللی اسلامی از برنامه‌های آموزشی این اقلیت‌ها و هموار نمودن راه برای سازمان‌های غیردولتی جهت انجام وظیفه خود در این عرصه؛
- ۷ - تسهیل در امر مبادله دانشجویان مسلمان کشورهای غیراسلامی توسط دولت‌ها و مؤسسات اسلامی، به منظور تعمیق بخشیدن به وابستگی‌های مذهبی و مکتبی؛

۸ - افزایش برنامه‌های عمرانی کشورهای اسلامی در راستای توسعه و پیشرفت در زمینه‌های علمی و شرعی و نیز بازدید شخصیت‌های اجتماعی از مناطق حضور این اقلیت‌ها و آشنایی با اوضاع و احوال آنها و مشارکت در پیشرفت و توسعه آنان؛

۹ - پیوند دادن بسیاری از نهادها و مؤسسات تبلیغی آفریقایی به کمیته مشترک کار اسلامی در عرصه تبلیغ اسلام جهت شنیده شدن صدای آنها؛

۱۰ - تلاش در راستای توجه هر چه بیشتر به مسایل زنان و خانواده مسلمان در میان اقلیت‌ها و حمایت از مؤسسات علمی و اجتماعی مربوط به آنها به منظور مشارکت در تربیت نونهالان و تحکیم خانواده و جامعه والای اسلامی؛

۱۱ - فعال ساختن بخش اقلیت‌های مسلمان در سازمان کنفرانس اسلامی و تهیه امکانات برای آنها جهت انجام فعالیت‌های مطلوب؛

۱۲ - کوشش در جهت انتشار فصل‌نامه‌ای که در آن مسایل اقلیت‌ها بررسی شده و فعالیت‌ها آنها پوشش داده شود و حلقه وصلی میان آنها و کشورها و جوامع اسلامی باشد؛

۱۳ - تلاش در جهت تأسیس مرکز اطلاع‌رسانی فراگیر درباره اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیر اسلامی با پوشش ترکیب دموکراتیک، تاریخ و موقعیت آنها در هر یک از کشورهای مربوطه.

تاریخ جنبش اسلامی و حرکت اسلام در آفریقا، سرشار از حوادث و جریان‌های مختلفی است، ولی تنها منابع بسیار اندکی در این باره وجود دارد؛ از این رو لازم است به تحقیق و پژوهش در راستای تدوین تاریخ جامع حرکت اسلام در آفریقا به‌عنوان یک اقدام بسیار اثرگذار، همت گماریم.^۱

۱- در دانشنامه جهان اسلام، چاپ تهران، تأکید شده است که ما در مورد تاریخ جنوب صحرائی آفریقا، منابع چندانی نداریم و در این مورد تنها می‌توان به نوشته‌های تاریخی معمولی نویسندگان مشهور مراجعه کرد. قدیمی‌ترین کتاب مورخان منطقه به اواخر قرن دهم در «برونا» باز می‌گردد که طی آن شخصیت برجسته «احمد بن فورتوا» به شرح حکومت سال‌های نخست سلطان «ادریس آلوما» پرداخته و دکترا لنگه در سال ۱۹۸۷ م به ترجمه و چاپ آن اقدام نموده است. مؤلف این کتاب، می‌گوید کتاب خود را از کتاب قدیمی‌تری مربوط به [قرن] دهم برگرفته و گزارشی نیز از حمله این سلطان علیه امپراتوری «کانم» به آن پیوست نموده و به رغم این‌که این گزارش‌ها، به جنبه‌های معینی گرایش دارد، دارای ارزش ویژه‌ای است، زیرا مؤلف، خود شاهد حوادث آن دوره بوده است. نیمه قرن سیزدهم نیز دو اثر تاریخی مهم در منطقه «نیجر مرکزی» خلق شده است که یکی از آنها «تاریخ سودان» تألیف عبدالرحمن السعدی و دیگری «تاریخ ألع تاش فی اخبار البلدان والجبوش واکابر الناس» تألیف «محمود الکعبی ابن المختار» می‌باشد. این دو تألیف درباره تاریخ امپراتوری «سنکای» در فاصله میانه قرن نهم تا پیروزی «سعدی‌ها» در سال ۱۰۰۰ م است. هم‌چنین تاریخ پاشالک تنکتو به نام «تذکره النسیان فی اخبار ملوک السودان» در موضوع پیروزی «سعدی‌ها» تا حدود سال ۱۱۵۰ میلادی، و تألیف دیگری متعلق به «مولای قاسم بن مولای سلیمان» مشتمل بر حوادث سال‌های ۱۱۶۰ تا ۱۲۱۵ میلادی نیز وجود دارد. از دیگر تألیفات، کتابی است درباره «جهاد ناصر الدین البدادی» که در قرن یازدهم نگارش یافته و تألیف دیگر، نوشته‌ای درباره «انساب» (شجره نامه‌ها) ←

۱۴ - درخواست از وزیران ارشاد (تبلیغات) و مؤسسات علمی مبنی بر پی‌گیری تبلیغات مغرضانه یا آن‌چه که چهره اسلام را در رسانه‌های گروهی هم‌چون سینما، تلویزیون و اینترنت خدشه‌دار می‌سازد و پاسخ‌گویی به آنها و کوشش در جهت دوبله کردن فیلم‌های اسلامی و ارسال آنها به مناطق اقلیت‌نشین آفریقا و نیز گسترش عرصه پخش کانال‌های تلویزیونی - ماهواره‌ای اسلامی و ایجاد هماهنگی میان آنها برای خدمت به مسلمانان در هر جا و تصحیح چهره اسلام نزد آنان؛

۱۵ - کوشش در راستای تشویق فراگیری زبان عربی در میان توده‌های مسلمان و گسترش آن در آفریقا به منظور تحکیم پیوندهای آنان با فرهنگ اسلامی و چاپ و نشر کتاب‌های مناسب برای آنان به منظور آشنا ساختن ایشان با اسلام واقعی؛

→ یعنی موضوعی رایج در موریتانی است. هم‌چنین مؤلفی به نام «شیخ موسی کمره» متوفی سال ۱۹۴۵ م وجود دارد که کتابی دربردارنده اطلاعات جالبی درباره صحرائی منتهای سنگال به نام «زهور البساتینی تاریخ السوادین» نوشته و بخشی از آن به فرانسه ترجمه و چاپ شده است.

در قرن‌های نوزده و بیست میلادی، حرکت تألیف درباره جهاد «شیخ عثمان بن محمد فودیو» و حکومت اسلامی او، فعال گردید؛ کتاب «انفاق المیسور فی تاریخ بلاد التکرور» مربوط به این دوره است. عبدالله برادر شیخ عثمان نیز مرثیه‌ها و اشعار زیادی در بزرگداشت این پیروزی‌های جهادی سروده و آنها را به صورت کتابی شبیه به «سیره ابن هشام» در سال ۱۲۲۸ میلادی به نام «تزیین الورقات» در آورده است. از جمله کتاب‌های قدیمی در این باره، «روضه الافکار» تألیف عبدالقادر مصطفی است که در واقع «تاریخ کویبر» (در قرن ۱۲ میلادی) است. تألیف دیگری متعلق به «جنید بن محمد التجاری» وجود دارد که از سایر تألیفات تاریخی، جامع‌تر است و «ضبط الملتقطات من الاخبار المتفرقه فی المؤلفات» نام دارد. کتاب‌های جدیدی نیز در این زمینه وجود دارد که از جمله آنها کتاب «انتشار الاسلام فی غرب افریقا» نوشته «مروین هیسکت» می‌باشد.

تألیفات نوع دوم، کتاب‌های رجالی است که شمار آنها اندک است؛ مانند کتاب «نیل الایتهاج بتطریز الدیباج» تألیف احمد بابا تنبکتی درباره رجال فقه مالکی و نیز کتاب «کفایه المحتاج لمعرفة من لیس فی الدیباج» و کتاب «فتح الشکور لمعرفة اعیان العلماء الکتور» و کتابی با عنوان «منح الرب الغفور فی ما اهمله صاحب الفتح الشکور».

سومین مجموعه از آثار تاریخی در این راستا، کتاب‌های متفرقه تاریخی است که معمولاً نویسندگان ناشناسی داشته و به تشریح برخی وقایع و حوادث پرداخته‌اند. (ر.ک: جزء ششم دانشنامه جهان اسلام، صفحات ۱۷۰ - ۱۶۵).

آن‌چه گفته شد در مورد شرق آفریقا بود. درباره غرب آفریقا، باید گفت که «جاحظ» قدیمی‌ترین مؤلف عرب است که درباره مردم «بمبا» و «زنگبار» سخن گفته است. ادریسی، مسعودی و ابن بطوطه نیز در این باره سخن گفته‌اند. کتاب‌های «السلوه فی اخبار کلوه» و «الزنج»، «تاریخ المزروعی» و «تاریخ زنجبار» مربوط به این خطه است. علاوه بر این، در کتابخانه دانشگاه دار السلام (تانزانیا) مؤسسه مطالعات شرق لندن، مجموعه‌های ارزشمندی در این زمینه، یافت می‌شود.

۱۶ - توجه به اقلیت‌های زیان‌دیده در آفریقا و ارایه خدمات اجتماعی به منظور بهبود وضع اقتصادی آنها؛

۱۷ - توجه به جریان‌های صوفی - عرفانی و تقویت شالوده‌های آنها و پاکسازی این حرکت‌ها از هر گونه انحراف، تا بتوانند نقش خود را به عنوان مربی ارزنده در ژرفا بخشیدن به اعتقادات و حفظ هویت فرهنگی مسلمانان در آفریقا، به خوبی ایفا نمایند؛

۱۸ - برنامه‌ریزی ویژه برای سامان‌دهی حج از آفریقا و فرهنگ‌سازی و سمت‌دهی درست به آن تا امر حج به‌مثابه واسطه زنده برای ایجاد پیوندهای فرهنگی میان آفریقا و جهان اسلام باشد؛

۱۹ - درخواست از کشورهای اسلامی برای بهره‌گیری از روابط سیاسی و اقتصادی خود در جهت حمایت و پشتیبانی از این اقلیت‌ها در راستای دستیابی آنها به حقوق خود.

در پایان، بر این نکته تأکید می‌شود که فرهنگ‌نامه‌ها و دائرةالمعارف‌های غربی همواره در صد کاستن هر چه بیشتر از تعداد و جمعیت مسلمانان هستند، از این رو لازم است ارقام حقیقی و آمار و تعداد مسلمانان در هر جا، به ویژه در آفریقا، ارایه گردد؛ برای مثال در دائرةالمعارف «بریتانیکا» آمده که در سال‌های ۱۹۶۸ - ۱۹۷۲ (میلادی) شمار مسلمانان رو به کاهش و نسبت مسیحیان رو به افزایش است، حال آن‌که این داده، با آن‌چه که امروزه شاهد آن هستیم، در تناقض است. فرهنگ‌نامه «نیویورک تایمز» نیز شمار مسلمانان در سال ۱۹۷۰ میلادی را ۴۹۳ میلیون نفر برآورد نمود که همه شواهد برخلاف آن می‌باشد. «رابطه العالم الاسلامی» تعداد مسلمانان را در سال ۱۹۷۳ م حدود ۷۴۰ میلیون نفر اعلام نموده، که به نظر ما شمار مسلمانان از این رقم هم افزون‌تر بوده است. بنابراین باید آمارگیری‌هایی در همه مناطق صورت گیرد، زیرا این امر، کمک می‌کند تا ارزیابی درست‌تر و بهتری از اوضاع داشته باشیم. فراموش نکنیم که کنفرانس «کولارادو» که در سال ۱۹۸۷ میلادی به منظور بررسی و مطالعه تبلیغات مسیحیت برگزار گردید، برنامه گسترده‌ای برای یورش به جهان اسلام در نظر گرفت که به دقت در حال پیاده شدن است.

مجله تایمز لندن نیز در سال ۱۹۸۰ پیش‌بینی کرد که در پایان قرن بیستم، جهان شاهد آن خواهد بود که از هر سه آفریقایی دو نفر مسیحی باشند، حال آن‌که در همان زمان از هر سه نفر، دو نفر مسلمان بودند. بدیهی است مشکلات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مسلمانان در جهان از تنوع زیادی برخوردار است. از جمله این مشکلات، تأثیر گسترده جهانی‌سازی و نیز به‌اصطلاح مبارزه با تروریسم است که خود جنبه‌های فرهنگی، آموزشی و سرمایه‌گذاری اسلامی را در بر می‌گیرد. همه این مسایل، ما را بر آن می‌دارد که در محاسبات خود و نیز شیوه‌های کاری خود، تجدیدنظر کنیم.

حل مشکلات مسلمانان تنها با کار و تلاش مشترک و همه‌جانبه، امکان‌پذیر است. این امر نیز مستلزم هماهنگی تلاش‌ها و تاکتیک‌ها و پی‌گیری استراتژی گسترده و فراگیر و نیز تأسیس نهادهای فعال و هماهنگ با یک‌دیگر برای رویارویی با این یورش فرهنگی به جهان اسلام است. حقیقت آن است

که ما می‌توانیم از تجربه و روش‌های دیگران و حتی تجربیات مبلغان مسیحی نیز در بهبود و کامل کردن شیوه‌های عمل خود و در خدمت به اسلام، بهره‌گیری نماییم.

منابع و مأخذ:

۱. *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حدّاد عادل، چاپ تهران، ۱۳۸۰.
۲. سایت اینترنتی: WWW.Undo.org.
۳. عین الشریف قاسم، *دراسات افريقية*، رقم ۱۰، ۱۹۹۹ م.
۴. کتانی، علی، *الاقليات الاسلاميه في العالم*.

